

فصل نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، بهار ۱۴۰۱
مقاله پژوهشی، صفحات ۸۹-۱۰۸

جایگاه اجتماعی بردگان در نورستان قبل از ورود اسلام بر اساس سفرنامه جورج اسکات رابرتسون

محمد جاوید جویا^۱

چکیده

نورستان ولایتی واقع در شمال شرق افغانستان است که در منابع اسلامی قرون میانه به نام بلور/بلورستان و در میان مسلمانان به نام کافرستان معروف شده است. مردم نورستان به چند طبقه اجتماعی تقسیم می شدند که در پایین ترین طبقه آن بردگان قرار داشتند. بندگان نقش مهمی در پیشبرد کارهای روزانه و زندگی مردم نورستان به عهده داشتند. بندگان شغل های مهم مانند نجاری، آهنگری، کنده کاری روی چوب، ساختن لباس و پوشاک، کفش سازی و چرم سازی را به عهده داشتند. در این میان نجاری و آهنگری در زندگی روزانه مردم نورستان از جایگاه ویژه برخوردار بود، زیرا وسایل کشاورزی و سلاح های جنگی مورد نیاز آنها توسط بندگان تهیه می شد. زنان و دختران برده نیز برای کار در خانه ها، فرزندآوری و کشاورزی مورد استفاده قرار می گرفتند. این پژوهش با تکیه بر سفرنامه جورج اسکات رابرتسون، جایگاه اجتماعی و زندگی روزانه بندگان در نورستان قدیم را مورد بررسی قرار داده است.

کلیدواژه ها: نورستان، بندگان، برده داری، جایگاه اجتماعی، سفرنامه رابرتسون.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه لرستان، لرستان، ایران. jawedjoya1993@gmail.com

تاریخ دریافت: ۰۱/۰۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۰۱/۰۴/۲۰

The social status of slaves in Nuristan before the arrival of Islam based on the travelogue of George Scott Robertson

Mohammadjoya¹

Abstract

Nuristan is a province located in the northeast of Afghanistan, which is known as Bilour/Bilouristan in Islamic sources of the Middle Ages and as Kāfiristān among Muslims. The people of Nuristan were divided into several social classes, the lowest class of which were slaves. Slaves played an important role in the daily work and life of Nuristan people. Slaves were responsible for important jobs such as carpentry, blacksmithing, wood carving, making clothes, shoe making and leather making. In the meantime, carpentry and blacksmithing had a special place in the daily life of Nuristan people, because the agricultural tools and weapons that people needed were prepared by slaves. Slave women and girls were also used to work in houses, raising children and farming. Based on George Scott Robertson's travelogue, this research has investigated the social status and daily life of slaves in old Nuristan.

Keywords: Nuristan, slaves, slavery, social status, Robertson's travelogue.

1. PhD Candidate of Islamic History, Lorestan University, Lorestan, Iran.
jawedjoya1993@gmail.com

درآمد

نورستان استانی در شمال شرق افغانستان است که در گذشته به بلور/ بلورستان معروف بود. مسلمانان مجاور، آنجا را کافرستان می‌نامیدند. بلور سرزمین بزرگتر از نورستان امروز بود و شامل نواحی چترال، نورستان، اسمار و بعضی از نواحی استان کنر می‌شد. بدین ترتیب بلور/بلورستان در شمال با بدخشان، در جنوب با مناطق سوات (باجور کنونی در پاکستان)، در شرق با کشمیر و در غرب با استان پنجشیر و نجراب کنونی افغانستان و از گوشه شمال شرق با کوه‌های پامیر هم‌مرز بود (غبار، *جغرافیای تاریخی افغانستان*، ۱۵۶). *تاریخ رشیدی* موقعیت جغرافیایی بلورستان را از شرق به کاشغر و یارکند، از شمال با بدخشان، از غرب به کابل و لغمان و از جنوب به کشمیر بیان کرده است (حیدر میرزا، ۷۶۹). *طبقات ناصری* با گزارش در مورد فتوحات سلطان علاءالدین غوری موقعیت بلورستان را میان تخارستان و ترکستان ذکر کرده و گزارش می‌دهد که سلطان علاءالدین با فتح تخارستان تا دروازه بلورستان را زیر سلطه خود درآورد (منهاج السراج، ۳۵۸/۱). *بیهقی* (۳۲۹) در *تاریخ بیهقی* بلور را سرزمینی در نزدیکی کشمیر ذکر کرده است که در سال سه ماه پیوسته برف و باران دارد. کلمه بلور در تألیفات مورخین چینی قرون اولیه مسیحی نیز دیده می‌شود (بارتولد، ۱۳۶). نواحی مهم بلورستان نظیر چترال و گلگیت کنونی در خاک پاکستان قرار دارند (غبار، *جغرافیای تاریخی افغانستان*، ۱۶۰). نورستان کنونی استانی در شرق افغانستان است که در دامنه‌های جنوب کوه هندوکش قرار گرفته و از نظر جغرافیایی در شرق با چترال پاکستان هم‌مرز است (Nicholas, 1).

مردم نورستان تا اواخر قرن نوزدهم میلادی غیر مسلمان بودند (غبار، *جغرافیای تاریخی افغانستان*، ۱۶۱). موقعیت منحصر به فرد جغرافیایی نورستان که متشکل از دره‌ها و کوه‌های صعب‌العبور بود در کنار دوری این ناحیه از راه‌ها و مراکز تجاری مهم باعث شده بود تا این ناحیه به شکل یک جزیره دور افتاده جدا از سایر نقاط و مراکز تمدنی قرار گیرد (Almuth, 330). با این حال مسلمانان مجاور نورستان بارها به روستاهای نزدیک خود حمله کرده بودند (کاتب، ۳۳۲/۳). بلورستان در دوره اسلامی



تا ظهور امیر تیمور گورکانی کاملاً مستقل و جدا از قلمرو اسلامی بود و به آیین اجدادی و مذهب گذشته خود پایبند بود. تیمور از راه پنجشیر به بلورستان لشکر کشید، اما بدون هیچ دستاوردی برگشت (غبار، *جغرافیای تاریخی افغانستان*، ۱۶۹؛ عبدالرحمن خان، ۲۷۶). امیر عبدالرحمن خان^۱ در سال ۱۸۹۵ تصمیم به حمله به نورستان گرفت. در کمتر از یک سال کافرستان را تصرف کرد و اسم کافرستان را به نورستان تبدیل کرد و مردمش را با فرستادن مبلغین اسلامی، به اسلام دعوت کرد (غبار، *افغانستان در مسیر تاریخ*، ۶۷۲/۱؛ عبدالرحمن خان، ۳۶۳). مسئله اصلی تحقیق این است که بردگان چه جایگاه اجتماعی و کارایی در نورستان سده نوزدهم میلادی داشتند؟ مدعایی که می‌توان در برابر این سؤال مطرح کرد به این شکل است که بردگان نیروی کار اصلی در نورستان بودند. آنان تولید کننده اصلی ابزار و وسائل مورد نیاز مردم و تأمین کننده اصلی آلات رزم جنگجویان نورستان بودند. چون مردم عادی نورستان وابسته به کارهای بردگان بودند؛ بردگان جایگاه اجتماعی قابل قبولی در میان آنان داشتند و به آسانی در ظاهر از جمعیت غیر برده قابل تشخیص نبودند. در این تحقیق تلاش شده است تا با بررسی توصیفی - تحلیلی دقیق سفرنامه جورج اسکات رابرتسون^۲ به این مسئله پاسخ داده شود. رابرتسون در سال ۱۸۷۸م زمانی که انگلیسی‌ها برای دومین بار تصمیم حمله به افغانستان را گرفتند، به عنوان پزشک و جراح وارد نیروی نظامی بریتانیا در هند شد. وی در سال ۱۸۸۸ عضو اداره سیاست خارجی حکومت هند بریتانوی شد. او از اکتبر ۱۸۹۰ تا سپتامبر ۱۸۹۱ در کافرستان به خصوص در کامدیش زندگی کرد و حاصل مشاهدات و مطالعه خود را در کتابی به اسم *کافران هندوکش* در سال ۱۸۹۶ در لندن منتشر کرد.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های اندکی در مورد نورستان انجام شده است. کهزاد (بی‌تا) در مقاله‌ای که در

۱. در امارت امیر عبدالرحمن خان (حک. ۱۸۸۰-۱۹۰۱) بر افغانستان، سلطه حکومت مرکزی کابل بر سراسر افغانستان از جمله نورستان بسط یافت.

2. Gworge Scott Robertson

مجله آریانا با عنوان «نورستان و روش مخصوص هیکل تراشی» نوشته است به تاریخ این ناحیه پرداخته و سپس بر حرفه هیکل تراشی و نجاری نورستان قدیم تمرکز کرده است. غرزی (۱۳۳۹ش) در کتاب *نورستان* اطلاعات بیشتر اما کلی در مورد نورستان آورده است. این تحقیق در اواسط نیمه اول قرن بیستم میلادی صورت پذیرفته است و تا آن وقت بسیاری از آداب و رسوم نورستان قبل از اسلام از بین رفته بود. با این حال نویسنده با آوردن تصاویر متعدد، تلاش کرده تا زندگی اجتماعی و فرهنگ نورستان را در قالب تصاویر معرفی کند. نژاد خنار (۱۳۹۵ش) در پایان نامه «عوامل مؤثر مقاومت اقوام الینا (کافرهای هندوکش) در پذیرش اسلام»، چگونگی ورود اسلام به کافرستان (نورستان) و مقاومت مردم و قوم الینا در برابر پذیرش اسلام را بررسی کرده است. نویسنده به مسائل اجتماعی و زندگی روزانه مردم، خصوصاً خوی جنگاوری و ویژگی‌های فرهنگی اشاره کرده است. پژوهش‌هایی به زبان‌های دیگر از جمله انگلیسی تحت عنوان «روابط و ازدواج عاشقانه میان کافرهای هندوکش در اوائل سده نوزدهم میلادی» (۲۰۲۱)^۱

انجام شده‌اند. این پژوهش به ازدواج و روابط پنهانی قبل از ازدواج در نورستان پرداخته است. تحقیق مذکور با تکیه بر منابع دست اول و با آوردن نمونه‌ای از این روابط در کامدیش^۲، این رسم را باقی مانده فرهنگ قدیمی آنان دانسته و گاهی نیز به شرایط ازدواج بردگان پرداخته است. تحقیق دیگری در مورد نورستان با عنوان سفری به نورستان^۳ (۲۰۰۵) در نیمه دوم قرن بیستم میلادی انجام شده است. در این تحقیق نویسنده با سفری به نورستان، چشم‌دیدهای خود از فرهنگ و اجتماع نورستان را بیان کرده است. وی تصاویر متعددی از نورستان از جمله تصاویری از مجسمه‌ها و تمثال‌های موجود را آورده است.

1. "Whose Past and Whose Future: Free Love and Love Marriage among Kafirs of the Hindukush in an Early Nineteenth-Century"

۲. مرکز استان نورستان

3. A Journey in Nuristan.

موقعیت اجتماعی بردگان

بردگان نورستان از نظر جمعیت، شیوه و محل زندگی، اشتغال و فعالیت‌های روزانه و روابط اجتماعی‌شان با جمعیت غیر برده نورستان تفاوت‌ها داشتند. رابرتسون (۵۱۸) در کنار توصیف جایگاه و کارایی بردگان، آنان را در پایین‌ترین طبقه اجتماعی قرار داده و افراد حقیر و پست توصیف می‌کند.

منشأ نژادی و تاریخ شکل‌گیری بردگان در میان مردم نورستان در هاله ابهام قرار دارد. رابرتسون آنان را بقایای قبایل قدیمی نورستان دانسته که با ورود به نورستان مطیع کافرهای ساکن در نورستان شده‌اند و یا در جنگ، اسیر و تبدیل به برده شده‌اند. خانواده زندانیان نیز برده محسوب می‌شدند. به این ترتیب جمعیت بزرگی از بردگان را فرزندان اسیران جنگی تشکیل می‌دادند (رابرتسون، ۹۹، ۱۶۱). عده‌ای نیز از بقایای قبایل قدیمی نورستان بودند که به مرور زمان ضعیف شده و توسط قبایل قدرتمند به بردگی گرفته شده بودند. برخی قبایل قدرتمند نورستان برده نداشتند و همیشه بردگان مورد نیاز خود را از قبایل دیگر می‌خریدند (همان، ۹۹). با این وجود نورستانی‌ها به افسانه‌ها و اسطوره‌های متعدد در مورد خلقت انسان‌ها، خدایان و بردگان باور داشتند. آنان خلقت بردگان را مبتنی بر افسانه می‌پنداشتند: «روزی در آسمان، پدری آهنگر به فرزندانش می‌گوید که برایم کمی آتش بیاورید. موقعی که آنان در حال درست کردن آتش برای پدرشان بودند، صاعقه و نوری در آسمان ایجاد می‌شود که از طریق آن، شکافی در آسمان ایجاد شده و یکی از پسران جوان به زمین می‌افتد؛ از آمدن وی به زمین جمعیت بردگان شکل می‌گیرد» (همان، ۱۶۱). رابرتسون (۵۱۸) معتقد است که تقریباً تمام قبایل نورستان برای خود منشأ نیمه الهی به شکل افسانه و اسطوره دارند.

با وجودی که بردگان جزو پایین‌ترین طبقه اجتماعی در نورستان بودند، از نظر پوشش و لباس خیلی متمایز از مردم عادی نبودند، زیرا آنان خود تولیدکننده اصلی اکثر پارچه‌ها و لباس‌های مورد استفاده مردم در نورستان بودند: «از نظر ظاهر و پوشش، با تعجب که بردگان لباس‌های بهتری به تن می‌کنند. احتمالاً به این دلیل است که آنان تولیدکننده بیشتر لباس‌های مورد استفاده مردم هستند. آنان لباس‌های معمولی که

دیگران به تن می‌کنند به تن دارند و ظاهراً از سایر جمعیت به عنوان برده قابل تشخیص نیستند، زیرا آنان هیچ علایم مشخصی که نشان دهنده بردگی آنان باشد، به تن ندارند. با این وجود من هرگز آنان را با لباس و خلعت بلند چترالی یا منجانی، کلاه چترالی یا در واقع پوشش سر منظم ندیدم» (رابرتسون، ۵۱۸).

بردگان در نورستان به دو گروه خانگی و غیر خانگی تقسیم می‌شدند. محل زندگی بردگان خانگی در کنار ارباب و صاحبان‌شان بود: «بردگان خانگی با صاحبشان زندگی می‌کنند. روابط بردگان خانگی با صاحبشان و جمعیت آزاد کافر‌ها، خیلی پرسش برانگیز و کنجکاوانه است. بردگان در کنار اینکه محله زندگی جداگانه داشتند، نمی‌توانستند به بعضی اماکن نزدیک یا وارد شوند. آنان حق نداشتند که به اماکن مقدس، زیارتگاه‌ها یا معابد نزدیک شوند. بردگان نیز نمی‌توانستند وارد خانه روحانی بزرگ روستا یا قبیله شود. با این وجود بردگان همه رسم و آداب اجتماعی جامعه کافرستان را قبول داشتند و در تشییع، تدفین یا مراسم مهم دیگر، ضیافت برپا می‌کردند (همان، ۱۰۰-۱۰۱).

مشاغل روزانه بردگان

بردگان در نورستان مشاغل مهم و مورد نیاز جامعه مانند دوخت لباس، تولید پارچه، چرم‌سازی، آهنگری، حکاکی، تراشکاری چوب، کفش‌سازی، نقره‌کاری، نعل‌کاری، نجاری، خنجری‌سازی و بافندگی را انجام می‌دادند. به جز نعل‌بندی/نعل‌کاری که شغل پست در میان بردگان به حساب می‌آمد، سایر مشاغل و حرفه‌ها را بردگانی انجام می‌دادند که جاشت/جاست^۱ بری نامیده می‌شدند؛ جاشت به معنی بزرگتر و ماهرتر و بری به معنی برده و در مجموع به معنای بردگان ماهرتر و بزرگتر بود (همان، ۱۰۰، ۵۴۵).

هر قبیله باید تعداد کافی برده در اختیار می‌داشت تا امور روزانه را به انجام برساند. زیرا کار و زندگی روزانه، خصوصاً کشاورزی و قدرت جنگی مردم بومی نورستان

1. Jast Bari

وابسته به کار بردگان بود. ابزار آلات کشاورزی، سلاح‌های جنگی، تابوت‌ها و تمثال‌های چوبین برای تدفین و گرامی‌داشت مردگان تماماً توسط بردگان ساخته می‌شدند. از این جهت همه قبایل نیاز داشتند که بردگان کافی برای انجام امور روزانه و تولید ابزارهای مورد نیاز داشته باشند (رابرتسون، ۱۰۳).

انجام این وظایف بدون دریافت هیچ پول و امتیازی انجام می‌شد. بردگان صنعتگر برای صاحبان خود کار می‌کردند و صاحبان‌شان مؤظف بودند که مواد اولیه لازم برای کار آنان را فراهم کنند. اگر برده برای دیگری کار کند، دستمزدش را به صاحب خود نمی‌داد و برای خود نگه می‌داشت. از طرف دیگر، صاحبان نیز بردگان صنعتگر را از نظر غذایی، پوشاک و خوراک حمایت نمی‌کردند بلکه این مصارف به عهده برده بود (همان، ۱۰۰).

محل کار و زندگی بردگان با توجه به نوع شغل، به اسم خود آنان شناخته می‌شد. رابرتسون محل زندگی بردگان را بخش مشخصی از روستا در نورستان ذکر می‌کند و می‌گوید که بردگان حق ندارند در میان مردم عادی زندگی کنند: «بردگان هنرکار یا صنعت‌کار در یک بخش مشخص از قریه زندگی می‌کنند. در کامدیش محله برده نشینان را بیگروم^۱ می‌گویند» (همان، ۱۰۰). برده‌ای که شغل خود را به خوبی انجام نمی‌داد، صاحب برده یا اهالی روستا حق داشتند تا او را تنبیه و مجازات کنند اما در مجازات خشونت به کار نمی‌بردند (همان، ۱۰۱).

۱- نواختن موسیقی

ترانه نوازان و موسیقی‌دانان نورستان از بردگان بودند. وسایل موسیقی رایج آنجا طبل، فلوت و نی بود که توسط بردگان نواخته می‌شد. بردگان در رقص‌هایی که زنان و مردان به مناسبت‌های مختلف انجام می‌دادند، در سوگواری‌ها، ضیافت‌ها و قربانی‌هایی که برای خدایان انجام می‌شدند، موسیقی می‌نواختند و مردم آزاد نورستان اعم از زن و مرد به رقص می‌پرداختند. بردگان جوانتر معمولاً کوبیدن بر طبل‌ها را در اختیار داشتند

1. Babagrom



و در هنگام نواختن موسیقی آنقدر بر طبل می‌کوبیدند که علائم خستگی از صورت‌شان کاملاً هویدا بود (رابرتسون، ۵۲۵، ۶۳۲). موسیقی‌ای که در فوت افراد نواخته می‌شد، به موسیقی مردگان معروف بود. موسیقی به شکل وقفه‌ای نواخته می‌شد، زیرا در هر وقفه سخنور مراسم سخنرانی می‌کرد و در مورد سابقه متوفا، شجاعت، سخاوت و جایگاه اجتماعی او صحبت می‌کرد. سرودن موسیقی مردگان با توجه به جایگاه اجتماعی و نظامی متوفا انجام می‌شد. در صورتی که جنازه متعلق به یکی از جنگجویان نامدار نورستان بود، ترانه مخصوص جنگجویان نواخته می‌شد (غززی، ۳۰).

ضیافت‌های مردم نورستان در مراسم و فصل‌های مختلف سال، با موسیقی، رقص و نوشیدن شراب همراه بود. ضیافت‌ها در رقص‌خانه‌ها، معابد و منازل شخصی افراد برگزار می‌شد. در هر صورت، موسیقی جزو اصلی ضیافت بود. در ضیافت‌های معمولی بردگان موسیقی می‌نواختند و مردم به رقص می‌پرداختند. در ضیافت‌های مهم، بردگان حق نواختن موسیقی را نداشتند و افراد مهم حاضر در ضیافت بر طبل می‌کوبیدند و موسیقی می‌نواختند. این مسئله به ندرت اتفاق می‌افتاد، چنانچه رابرتسون (۴۲۹، ۴۶۹) با مشاهده یکی از این ضیافت‌ها که مردم غیر برده در حال نواختن موسیقی بودند، آن را مایه تعجب خود دانسته است، زیرا به قول وی نواختن موسیقی مسئولیت اصلی بردگان بود.

نواختن موسیقی در مواقع مهم سال نیز وظیفه بردگان بود. ماه آوریل (اواخر اردیبهشت)، فصل آب شدن برف‌ها در نورستان و باز شدن مسیر رفت و آمد مردم بود، زیرا با توجه به پچیدگی‌های جغرافیایی نورستان و باریدن برف قابل توجه در زمستان، مسیر رفت و آمد مردم کاملاً مسدود می‌شد. با شروع ماه آوریل و باز شدن راه‌های رفت و آمد، فصل جنگ و خونریزی مردم نورستان آغاز و قربانی‌های متعدد برای خدایان و به ویژه خدای جنگ^۱ انجام می‌شد. بردگان وظیفه داشتند در یازده روز آخر این ماه و چهار روز اول ماه می هر صبح و شب برای یک ساعت بر طبل بکوبند.

1. Gish

کوبیدن بر طبل به احترام خدای جنگ انجام می‌شد (رابرتسون، ۲۰۰۴). مسئولیت انتقال تخت جنازه از خانه به قبرستان، رقص‌خانه یا معبد نیز وظیفه بردگان بود. مردم نورستان چون برای سه‌الی هفت روز برای مردگان خود سوگواری می‌کردند، انتقال جنازه به مکان‌های مورد نظر وظیفه بردگان بود. جنازه را بر چهارپایه چوبی قرار می‌دادند و چهار نفر برده موظف بودند تا تخت را برای مدت مورد نظر بر شانه‌های خود نگهدارند. بردگان مجبور بودند تا تخت را به اندازه شانه‌های خود بلند کنند تا نزدیکان متوفا، خصوصاً زنان بتوانند جنازه را ببینند (همان، ۶۳۱-۶۳۲).

انتقال جنگجویان مهم و شجاع که در جنگ‌ها کشته می‌شدند یا با مرگ طبیعی از بین می‌رفتند، توسط نمایندگان روستا انجام می‌شد. بزرگان نورستان اجازه نمی‌دادند جنازه جنگجویان شجاع و مشهور که تعداد زیادی از دشمنان نورستان را به قتل رسانیده بودند، توسط بردگان حمل شوند: «او چون جنگجوی مشهوری بود، سوگواری و تشییع متفاوت نسبت به دیگران داشت. با رسیدن تمثال باستی^۱ (جنگجوی متوفا) به رقص‌خانه، تعدادی به نواختن طبل و فلوت پرداختند و رقص به افتخار او آغاز شد. پیکر آراسته او که بر تخت قرار داشت، با پرهایی که در لای عمامه وی جا سازی شده بودند، توسط چهار نفر شخصیت مهم بلند شد و از برده‌ها برای بلند کردن جنازه وی استفاده نشد» (همان، ۶۳۸).

۲- نجاری، کنده‌کاری و حکاکی روی چوب

درست کردن تمثال‌ها و تابوت‌های چوبی برای مردگان از دیگر وظایف بردگان بود (نک. همان، ۵۰۴-۵۰۵). نورستانی‌ها مرده‌های خود را دفن نمی‌کردند بلکه آنها در داخل تابوت‌های چوبی گذاشته و در بالای نزدیک‌ترین تپه کنار روستا، راه یا دریا قرار می‌دادند تا به مرور زمان تجزیه شود. این تابوت‌ها هرگز عوض نمی‌شدند و به مرور زمان در اثر جذب رطوبت و شعاع مستقیم آفتاب کهنه و فرسوده می‌شدند (رابرتسون، ۶۴۱؛ برنس، ۸۰). درباره اجساد جنگجویان مشهور مسئله تا حدودی متفاوت بود. اگر

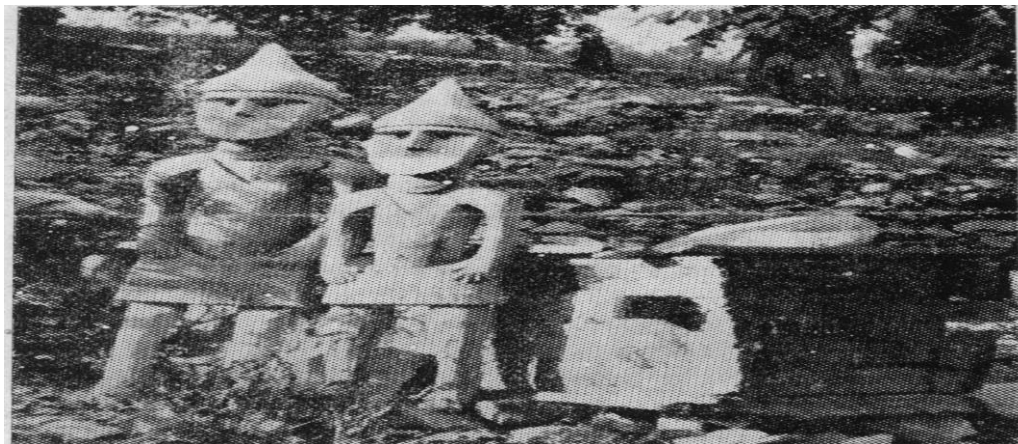
1. Basti



صندوق یا تابوت جنگجوی مشهوری کهنه و فرسوده می‌شد، خانواده وی استخوان‌ها را از بین تابوت قبلی جمع کرده و در تابوت جدید می‌گذاشتند و دوباره با تشریفات و ذبح گاو و بز، به جایگاه نخستین برمی‌گرداندند (غرزی، ۳۴). همه کارهای روی چوب از جمله کنده‌کاری، حکاکی و تزئینات همه توسط بردگان انجام می‌شد (همان، ۵۴۵).

ساختن تمثال یا مجسمه چوبی برای یادبود مردگان و جنگجویان شغل پر درآمدی برای بردگان بود. زیرا درست کردن تمثال با توجه به موقعیت اجتماعی، ثروت و نفوذ شخص متوفا برای بازماندگان هزینه گزافی داشت. برای ساختن تمثال یک زن با نفوذ، بازماندگانش قیمت سه گاو بزرگ را پرداخت کرده بودند (رابرتسون، ۲۲۵). تمثال یک سال بعد از فوت فرد ساخته می‌شد. این کار از یک سو مسئولیت و از سوی دیگر امتیاز به حساب می‌آمد. بعد از درست کردن تمثال، ضیافت بزرگی از سوی بازماندگان برای اهالی روستا بر پا می‌شد. شکل و ظاهر تمثال و شیوه ساخت آن وابسته به شرایط اقتصادی بازماندگان و مقدار ضیافتی بود که آنان تهیه می‌کردند. یک روز ضیافت برای یک تمثال خوابیده (پهن) که شیوه رایج در میان طبقه متوسط بود، کافی بود. اگر خانواده متوفا می‌خواست تا تمثال بر تخت یا سوار بر اسب درست شود، حداقل سه روز ضیافت لازم بود (همان، ۶۴۵).

انتقال این تمثال‌ها از محل ساخت به روستا یا از خانه متوفا به قبرستان، بردن تمثال‌ها به معابد برای انجام مراسم قربانی و رقص‌خانه نیز وظیفه بردگان بود. تمثال شخص متوفا را در معبد، جلوی قربانگاه قرار می‌دادند. این تمثال‌ها با توجه به شکل و ظاهر خود معمولاً سنگین‌تر و بلندتر از قد بردگان بودند. بردگان تمثال را بر پشت خود حمل می‌کردند. هنگام انجام مراسم موسیقی مردگان، ضیافت و رقص گروهی برای گرامیداشت متوفا، بردگان موظف بودند این تمثال را به شکل عمودی بر روی زانوها یا پاهای خود نگهدارند. چون وزن تمثال بیشتر بود، بردگان به نوبت تمثال‌های سنگین را بر پاهای خود نگه می‌داشتند (همان، ۲۲۰).



نمونه دو تمثال در کنار تابوت متوفا (غریزی، ۳۳).



تمثال‌های گروهی با ظاهری متفاوت در نزدیک یک مقبره؛ عمامه دور سر، عده‌ای ایستاده و عده‌ای سوار بر اسب که نشان‌دهنده وضع اقتصادی و جایگاه افراد است (Wlodek, 36).

مردم نورستان خانه‌های خود را با استفاده از چوب می‌ساختند، زیرا سرزمین نورستان پوشیده از جنگل و درختان سرو بود. حرفه نجاری، ساخت خانه، پنجره، دروازه، سقف و دیگر وسایل مورد نیاز برای ساخت خانه از جمله کارهای بردگان بود. نورستانی‌ها سقف خانه خود را توسط تخته‌های چوبی نازک می‌پوشانیدند. ستون‌های چوبی که در داخل خانه و در وسط اتاق‌ها برای استوار نگهداشتن سقف نصب می‌شدند نیز از چوب درست می‌شد. این ستون‌ها بخش مهم تزئین خانه‌های مردم بود. بیشتر مردم ستون‌های خانه خود را با کنده‌کاری و حکاکی تزئین می‌کردند. کنده‌کاری نیز از مهارت‌های بردگان بود (رابرتسون، ۵۴۶).

۳- طراحی و دوخت لباس و کفش

تولید پارچه و دوخت لباس برای مردم نورستان از دیگر وظایف بردگان بود. مردم نورستان نسبت به مناطق همجوار لباس های متفاوت می پوشیدند. بردگان کلاه شاخ دار/تاج دار^۱ زنانه، پارچه های ساخت لباس های دراز، ساق پوش ها، پاتابه (پاپیچ) های از جنس پوست بز و پاپوش های متنوع را تولید می کردند. لباس های کتانی و کفن برای مردگان توسط خود مردم نورستان دوخته می شد (همان، ۵۱۵). کلاه تاج-دار در میان نورستانی ها به ویژه زنان بسیار محبوب بود. مواد خام کلاه شاخ دار توسط زنان برده با دستگاه ساده بافندگی از نی ساخته می شد. زنان برده پتوهای ضخیم، پارچه های پشمی و نوعی پارچه برای محافظت چشم در مقابل برف نیز تولید می کردند (همان، ۵۰۶، ۵۱۴، ۵۴۳). در کنار این تولیدات، بازرگانان نورستانی انواع پارچه و لباس را وارد می کردند. لباس ها و پارچه های پشمی، ابریشمی، مخملی و سایر پارچه هایی که برای پوشاک رقص بزرگان استفاده می شد، وارداتی بودند (رابرتسون، ۵۰۶).

کفش های چرمی مورد نیاز مردم نیز توسط بردگان ساخته می شد. چرم مورد استفاده معمولاً قرمز رنگ بود. این کفش ها تا مچ پا می رسیدند و در قسمت مچ پا توسط

بندهای چرمی محکم می‌شدند. این کفش‌ها برای سفرهای کوتاه مناسب بود اما برای سفرهای طولانی خیلی مناسب نبود، زیرا روش و شیوه چرمگری بردگان ناقص بود و در مقابل رطوبت مقاومت نداشت. در صورت باریدن باران یا خیس بودن زمین، کفش‌ها را باید از پا در می‌آوردند تا خیس نشوند (، ۵۱۴).

بردگان خانگی

بردگان در نورستان به دو بخش خانگی و بیرونی تقسیم می‌شدند و هر کدام وظیفه و مسئولیت متفاوتی داشتند. موقعیت اجتماعی و شرایط زندگی بردگان خانگی نیز با بردگان غیرخانگی تفاوت داشت. بردگان خانگی نسبت به سایر بردگان مخصوصاً بردگان صنعتکار موقعیت اجتماعی بالاتری داشتند (همان، ۹۹). بردگان خانگی در کنار صاحب خود زندگی می‌کردند. آنان جزو ثروت صاحب خود شمرده می‌شدند و قابل فروش بودند. فرزندان این برده‌ها نیز جزو ثروت صاحبان خود بودند و مالکان در چگونگی رفتار با آنها آزاد بودند (همان، ۱۰۰).

بردگان خانگی معمولاً همیشه در معیت صاحبان خود بودند. صاحبان برده همیشه دوست داشتند برای غرور و افتخار تعدادی برده همراه داشته باشند. صاحب برده به ندرت تنها دیده می‌شد. او در صورت رفتن به خانه یکی از دوستانش، همیشه یک یا دو نفر برده همراه خود می‌برد و با افتخار و غرور قدم برمی‌داشت (همان، ۱۰۵).

در نورستان قدیم، کشاورزی وظیفه زنان و دختران بود. گاهی مردان با این زنان ازدواج می‌کردند، چرا که تعدد همسر در میان مردان نورستان معمول بود (همان، ۵۳۴).

تجارت برده

اهالی نورستان تمایل به فروش بردگان نداشتند، زیرا بردگان تولید کننده ابزار و آلات مورد نیاز زندگی روزانه آنان بودند. با این وجود کماکان در موارد مختلف خرید و فروش برده امر عادی بود. صاحبان برده حق داشتند هر موقعی که بخواهند، برده‌هایی را که در اختیار داشتند، بفروشند یا آنها را برای خونخواهی به قبیله دیگر بدهند تا در بدل قتل که فردی از قبیله وی انجام می‌داد، شخص برده به قتل برسد. برده‌ها زمانی



فروخته می‌شدند که صاحب برده از نظر مالی خیلی ضعیف و فقیر می‌شد. به عنوان یک قاعده، به دختران متولد از مادر برده، به دید سرمایه و کالا نگاه می‌شد و به راحتی به خرید و فروش گذاشته می‌شدند، اما پسران به ندرت فروخته می‌شدند. (رابرتسون، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۸۹). دختران جوان نسبت به سایر بردگان نزد خریداران از اهمیت بیشتری برخوردار بودند. دختران متولد از مادر برده، به راحتی به ازدواج مالک خود در می‌آمدند و صاحب فرزند می‌شدند. در مواردی بزرگان قبایل قدرتمند، دختران جوان از قبایل ضعیف‌تر را به عنوان برده گرفته و برای کار روی زمین زراعی خود به محل سکونت خود می‌آوردند. این دختران نیز جزو ثروت صاحبان خود تلقی می‌شدند. در صورت رضایت مالک برده، وی دختر برده را شوهر می‌داد و پولی را که از شوهر وی می‌گرفت نیز جزو اموال خود می‌دانست. در یکی از این ازدواج‌ها که رابرتسون (۱۳۲) با چشمانش دیده بود، صاحب برده از شوهر دادن دختر برده که در اختیار داشت، هشت گاو به دست آورده بود.

در میان طبقه مرفه جامعه نورستان رسم بود که دختران جوان برده همراه با عروس در روز عروسی به خانه شوهر فرستاده می‌شدند تا کارهای خانه عروس را انجام دهند. اگر خانواده دختر و پسر، هر دو ثروتمند بودند، مقداری غله، وسایل تزئینی و یک برده دختر نیز در روز عروسی همراه با عروس به خانه شوهر فرستاده می‌شد. برده دختر برای انجام کارهای زراعی و خانگی به خانه نو عروس می‌رفت (رابرتسون، ۱۳۹؛ الفنستون، ۶۵۴).

بازارهای رسمی خرید و فروش برده در نورستان وجود نداشتند؛ از این رو خرید و فروش غیر رسمی برده، پر سود بود و بردگان نورستانی به سرزمین‌های مجاور نظیر کابل، چترال، ترکستان (شمال افغانستان)، بدخشان و حتی کاشغر چین انتقال داده می‌شدند. هارلان در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی از حضور بردگان چینی در نورستان نیز سخن گفته است. به نظر می‌رسد این بردگان از کاشغر که در جوار نورستان قرار داشت، به این ناحیه وارد می‌شدند (Harlan, 84). از خریداران اصلی بردگان نورستانی و خصوصاً دختران و زنان، مسلمانان افغانستانی و پاکستانی در مجاور

نورستان بودند. مسلمانان همیشه تلاش می‌کردند تا دختران و زنان برده را به قیمت زیاد بخرند و آنان را مسلمان کنند. مسلمانان پس از خرید بردگان دختر متعلق به روحانیون و بزرگان نورستان و مسلمان کردن آنها، احساس رضایت و غرور می‌کردند (همان، ۱۰۲-۱۰۳).

یکی از مقاصد اصلی تجارت برده نورستانی بازارهای کابل و جلال‌آباد بود. در بازارهای کابل همیشه بردگان نورستانی برای فروش عرضه می‌شدند. بردگانی که به کابل برای فروش آورده می‌شدند معمولاً توسط مسلمانان مجاور نورستان با زور و جنگ دستگیر و به کابل منتقل می‌شدند. تعدادی از این افراد در زمان چرانیدن رمه و تعدادی در زمان عبور از یک روستا به روستای دیگر توسط مسلمانان دستگیر می‌شدند. پس از آن بردگان تلاش می‌کردند تا خود را با شرایط زندگی در کابل وفق دهند و زبان فارسی را که زبان مسلط در شهر کابل بود، فرا گیرند (Vigne, 238).

بیشتر بردگان نورستانی قابل فروش در بازارهای افغانستان به ویژه کابل، کودکان، چوپانان و نوجوانان بودند. چوپانان معمولاً در مواقع بردن دام به چراگاه و مراتع، ربوده شده و به عنوان برده به فروش می‌رسیدند (Charles, 193). تعدادی از بردگان خوش صورت نورستان نیز به دربار امیران کابل راه یافته بودند (برنس، ۷۸-۷۹). دختران برده نورستانی پس از فروش در بازارهای کابل، به ازدواج اهالی کابل درمی‌آمدند و به زودی مادر می‌شدند. با این همه بردگان نورستانی همواره تلاش می‌کردند تا آداب و رسوم اجتماعی خود را حفظ کنند (همان، ۸۰-۸۱).

قیمت بردگان نورستانی با توجه به جنسیت، سن و ظاهرشان متفاوت بود. زیبایی دختران نورستانی از سوی سفرنامه نویسان تمجید شده؛ از این رو قیمت بالای بردگان نورستانی به ویژه دختران موجب رونق این تجارت شده بود. بهای یک برده معمولی نورستانی در کابل بیست روپیه بود (برنس، ۸۴). در بیشتر موارد، وجب (کف دست) معیار اندازه‌گیری فروش بردگان نورستانی بود. هر وجب از قد برده نورستانی بیست روپیه بها داشت. در صورتی که برده‌ای پنج وجب قد می‌داشت، صد روپیه کابلی فروخته می‌شد (Vigne, 238).

ساکنین اصلی چترال پاکستان و برده‌هایی که از نورستان به این نواحی انتقال می‌یافتند، از نظر زیبایی بسیار خواستنی بودند. بردگان دختر نورستانی و چترالی بالاترین بها را در میان تمام بردگان در این نواحی و سرزمین‌های مجاور داشتند. هشتاد قطعه طلا که معادل پانصد و شصت روپیه می‌شد، بهای خیلی زیادی برای یک دختر برده در بازار چترال به حساب نمی‌آمد. در حالی که در همان زمان بردگان دختر بدخشانی که در زیبایی زبانزد عموم بودند، به پانزده تا چهل قطعه طلا خرید و فروش می‌شدند (Harlan, 83). بازرگانان بردگان نورستانی و چترالی معمولاً در مرکز چترال مغازه موقتی برای خود برپا می‌کردند. حکومت محلی مالیات سنگینی بر این مغازه‌ها می‌بست. با تصرف نورستان در اواخر قرن نوزدهم توسط حکومت کابل، تعداد زیادی از اسرای نورستانی به عنوان برده به کابل و سایر شهرهای افغانستان برده شدند و در کابل شماری از نورستانی‌ها در مشاغل دولتی و ارتش مشغول شدند (Martin, 167).

نتیجه

نورستان استانی در شمال شرق افغانستان امروز است که در گذشته بلور/بلورستان نامیده می‌شد. مسلمانان همجوار بلورستان، این ناحیه را کافرستان می‌نامیدند و تا اواخر قرن نوزدهم میلادی همین اسم در میان مسلمانان و به‌ویژه افغانستانی‌ها رایج بود. این سرزمین تا اواخر قرن نوزدهم میلادی به شکل یک جزیره و بدون ارتباط فرهنگی با شهرها و مراکز تمدنی پیرامونش باقی مانده بود. امیر عبدالرحمن خان حاکم مقتدر افغانستان در آخرین سال‌های حکومتش موفق شد تا در مدت کوتاه این سرزمین را تصرف و مردمانش را مسلمان کند. وی اسم کافرستان را به نورستان تبدیل کرد. نورستانی‌ها شامل چند طبقه اجتماعی می‌شدند که یک طبقه مهم را بردگان تشکیل می‌دادند. بردگان نقش اساسی در زندگی روزمره مردم و پیشبرد امور روزانه آنان داشتند. بردگان به دو بخش بردگان خانگی و غیر خانگی تقسیم می‌شدند. به جز دامداری و کشاورزی، سایر شغل‌های مهم در نورستان را بردگان انجام می‌دادند. بردگان تولیدکننده اصلی ابزار کشاورزی، سلاح‌های جنگی، لباس، کفش، محصولات چوبی از

جمله تمثال و تابوت‌های چوبی و کلاه‌های تاج‌دار بودند. آنان همچنین شغل‌های متعدد دیگر از جمله طبل زدن، نواختن فلوت و خدمت در ضیافت‌ها را نیز به عهده داشتند. بردگان خانگی نیز وظیفه خدمت به ارباب و همراهی وی را به عهده داشتند. زنان برده معمولاً برای کارهای کشاورزی استخدام می‌شدند و می‌توانستند به ازدواج صاحب خود در بیایند. تجارت برده در نورستان بازارهای رسمی نداشت، اما فروش دختر و پسر جوان به عنوان برده معمول بود. دختران جوان برده از ارزش بسیاری برخوردار بودند. خریدار اصلی بردگان نورستانی، مسلمانان اطراف این سرزمین بودند و بیشتر بردگان نورستانی در بازارهای کابل و چترال به فروش می‌رسیدند.



منابع

- الفستون، مونت استوارت، افغانان: جای، فرهنگ و نژاد، ترجمه محمد اصف فکرت، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶ش.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ، مقدمه‌ای بر حدود العالم، ترجمه میر حسین شاه، کابل، پوهنتون کابل، ۱۳۴۳ش.
- برنس، الکساندر، ماموریت کابل، ترجمه عبدالخالق لعل زاد، لندن، بی‌نا، ۲۰۱۸.
- بیهقی، علی بن زید، تاریخ بیهق، تحقیق احمد بهمنیار، تهران، فروغی، ۱۳۶۱ش.
- حیدر میرزا دوغلات، محمد، تاریخ رشیدی، تصحیح عباسقلی غفاری فرد، تهران، نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۳ش.
- عبدالرحمن خان، سوانح عمری (خاطرات امیر عبدالرحمن خان به قلم خودش)، کابل، میوند، ۱۳۷۵ش.
- غبار، میر غلام محمد، افغانستان در مسیر تاریخ، تهران، مرکز نشر انقلاب با همکاری جمهوری، ۱۳۶۷ش.
- غبار، میر غلام محمد، جغرافیای تاریخی افغانستان، کابل، مطبعه دولتی، ۱۳۶۸ش.
- غرزی، وکیل محمد، نورستان، کابل، مؤسسه انتشاراتی انیس، ۱۳۳۹ش.
- کاتب هزاره، فیض محمد، سراج التواریخ، به کوشش دکتر سرور مولایی، کابل، امیری، ۱۳۹۰ش.
- کهزاد، احمد علی، «نورستان و روش مخصوص هیکل تراشی»، مجله آریانا، شماره دوم، سال ششم، کابل، انجمن تاریخ افغانستان، بی‌تا.
- منهای السراج، عثمان بن محمد، طبقات ناصری، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳ش.
- نژاد خنار، ابراهیم درویش، عوامل مؤثر مقاومت اقوام الینا (کافرهای هندوکش) در پذیرش اسلام، به راهنمایی دکتر سید حسن شجاعی دیو کلابی، دانشگاه مازندران، ۱۳۹۵ش.
- Alberto Cacopardo and Stefano pello, “whose past and whose future: Free Love and Love Marriage among Kafirs of the Hindukush in an Early Nineteenth-Century”, *Iran and the Caucasus studies*, 25, 2021, p366-378. DOI: <http://dx.doi.org/10.1163/1573384X-20210404>
- Almuth, Degener, “Hunters' Lore in Nuristan”, *Asian Folklore Studies*, vol.60, No.2, , 2001, p329-344. DOI: <https://doi.org/10.2307/1179061>
- Charles, masson, Narrative of various journeys in balochistan,

Afghanistan, the Panjab, and kalat, during a residence in those countries, London, Richard Bentley, 1844.

- Gworge Scott Robertson, The Kafirs of Hindukush, illustrated by A.D.McCormick, New Delhi: Munshiram Manoharlal Pulishers, 1898.
- Martin, A.Frank., Under The Absolute Amir, London: Harper&Brothers Publishers, 1907.
- Nicholas, barrington.joseph T. Kendrick. Reinhard Schlagintweit, A Passage to Nuristan (Exploring the Mesterious Afghan Hinterland, London: I.B. Tauris & Co Ltd, 2006.
- Wlodek witek, *The Eyes and Ears of an Explorer*: database for audiovisual archives of a Norwegian linguist from his journeys to Afghanistan and south asia, 1923-1975, visual resources, 21:1, 2005, p25-39. **Doi: <http://dx.doi.org/10.1080/0197376052000324597>**
- Vigne, Godfrey Thomas, Esq.F.G.S, A personal Narrative of a Visit to Ghuzni, Kabul, And Afghanistan, And of A Residence at The Court of Dost Mohamed (with notices of Runjit Sing, Khiva, And The Russian Expedition, London, George Routledge Ryde's court, 1843.
- Harlan, General Josiah, Personal Narrative of General Josiah Harlan, Edited by Frank E. Ross, M.A. London, LUZAC & CO, 1939.
- Wilfred Thesiger, A Journey in Nuristan, The Geographical Journal, vol.123, No.4, 2005, p457-464. **doi:10.2307/1790347**

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی